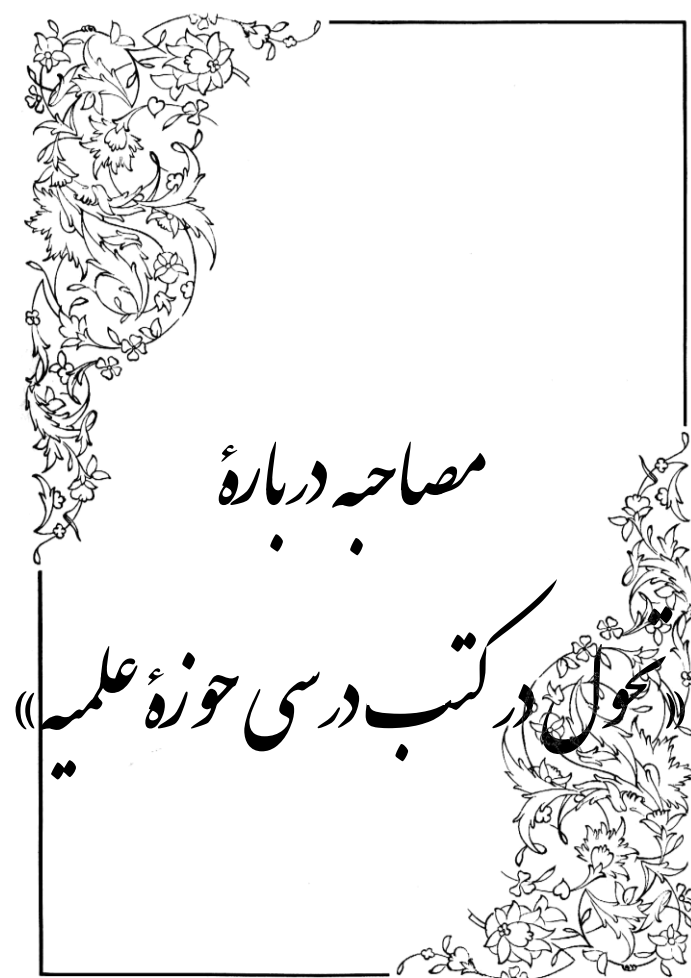




مصاحبه دربارهٔ

«مکمل در کتب درسی حوزه علمیه»

سید جمال الدین موسوی

اشاره

موضوع تحوّل در کتب درسی حوزه علمیّه، محور گفتگوهای است که با برخی اساتید حوزه علمیّه مشهد انجام شده است. آنچه در پی می‌آید حاصل گفتگو با اساتید بزرگواری است که با حوصله و دقت علمی بدین موضوع پرداختند. ضمن سپاس و قدردانی از ایشان، این گفتگو تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

اساتید محترم، حجج اسلام:

- استاد قندیلی (عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی)؛
- استاد صدر (استاد سطح حوزه علمیّه، عضو گروه علمی فقه و اصول مدرسه علمیّه عالی نواب و عضو گروه پژوهشی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان)؛
- استاد کاظمی (استاد سطح حوزه و دانشگاه، عضو گروه علمی فقه و اصول مدرسه علمیّه عالی نواب و...)
- استاد واسطی (استاد سطح حوزه علمیّه مشهد)؛
- استاد سلطانی (استاد حوزه علمیّه مشهد).

تحریر: پیشینه تاریخی تحوّل در کتب درسی حوزه علمیّه چگونه بوده است؟



استاد صدر: در تاریخ حوزه علمیّه، متن هرگز اصالت نداشته و ارتقای علمی مهم بوده است. البته مخالفین تغییر متون درسی به جهت اصالت متن با آن مخالفت نمی‌کنند؛ بلکه به جهت عدم جایگزینی متن درسی خوب مخالفت دارند. آنها می‌گویند: هدف، ارتقای علمی است و این کتاب‌ها همین کارکرد را دارند پس باید حفظ شوند. برخی شاید امکان آوردن متن بهتر را نفی کنند، ولی این مطلب صغروی است و اصل کبری را همه قبول دارند.

استاد واسطی: اساتید مشهور که دارای حلقه درسی بزرگی بودند کتابی را مناسب برای تدریس تشخیص می‌دادند و شروع به تدریس آن می‌کردند و این امر به تدریج در میان حلقه‌های درسی دیگر نیز سرایت می‌کرد و پس از مدتی یک کتاب مبنای تدریس قرار می‌گرفت. پس تشخیص استادی که در برهه‌ای دیگر می‌آمد به همین ترتیب سبب تغییر در کتاب مبنا می‌شد.

تحریر: از دیدگاه شما چه نکته‌هایی در موضوع متون درسی قابل توجه است؟

استاد سلطانی: نواقص عمومی حوزه نسبت به کتب درسی در حوزه‌های مختلف، متفاوت است. در برخی از حوزه‌ها کار جمعی نشده؛ ولی کار فردی شده است. طلبه‌ای که از سیکل وارد حوزه می‌شود با یک خلأ مواجه می‌شود و مدت زمانی می‌گذرد تا با زبان درسی حوزه آشنا شود. در دوران راهنمایی، کتب درسی به صورت مشخص و تفکیک شده است؛ یعنی این‌طور نیست که ضمن یک عنوان درسی، درس دیگر داده شود. سؤالات کتاب مشخصاً با موضوع مرتبط است و نیز کتاب‌های کمک‌درسی و کلاس تقویتی هیچ‌گاه جای‌گزین کتاب‌های اصلی نمی‌شود. در حوزه‌ها به این شکل کار نشده است.

استاد صدر: مهم‌ترین مسئله در متون درسی، به‌سازی متون آموزشی است. باید متون درسی را از جهت مزایای متون درسی فعلی، روش‌ها و کاستی‌های متون آموزشی مورد بررسی قرار داد.

استاد کاظمی: کتاب درسی با کتاب‌های دیگر فرق دارد. کتاب درسی ابزاری برای رسیدن به هدف آموزشی تعیین‌شده است؛ در نتیجه از جهات مختلفی باید مورد توجه باشد. کتب درسی هدف مخصوصی را در زمان خاصی تأمین می‌کند و بر محصل بسیار تأثیرگذار است؛ برخلاف کتب معمولی که مخاطب‌محور و بسیار پُرخواننده اما اثرش ممکن است زودگذر باشد. بنابراین توجه به تفاوت‌های اساسی کتب درسی و غیرآن، میزان اهمیت کتاب‌های درسی را آشکار و افزایش می‌دهد. کتاب آموزشی درسی مثل اتومبیل است که با توجه

به مقصد، مسیر آب و هوا و راننده تولید می‌شود. پس عناصر تدوین کتاب آموزشی توجه به هدف آموزشی، حجم زمانی، متعلم، جامعه تعلیم، و... است.

تحریر: آیا متون درسی با اهداف آموزشی از جهت محتوا و شیوه تناسب دارد؟

استاد صدر: دو پرسش نباید خلط شود:

۱. آیا این متون برای رسیدن به هدف آن کافی است؟ مثلاً هدف ادبیات، صحیح‌خوانی متن است و نیز هدف منطق جلوگیری اشتباه ذهن در حوزه تفکرات است. در این صورت خیلی از متون با هدف آن تناسب دارد.
۲. آیا این متون با سطح طلاب تناسب دارد؟ در این باره می‌گوییم: شاید برخی از کتاب‌های ادبی برای یک جوان که از دوره راهنمایی وارد حوزه می‌شود سخت باشد؛ و دست‌کم باید برای او به شکلی آسان‌تری درس داد. یعنی من اصراری ندارم که ابتدای آموزش با این متون باشد. با این وجود، این متون با توجه به هدف آموزشی آن و از جهت محتوا کامل هستند.

استاد کاظمی: هدف آموزشی، اجتهاد

است و لازمه اجتهاد، دیدن آراء است. خوشبختانه منابع قدیمی ما موجودند و طلبه ناچار است کتب قدیمی را بخواند. کتاب‌های موجود نیز دارای این دو ویژگی هستند که هم طلاب را با متن‌های سنگین فقهی و



اصولی قدیمی آشنا کنند و هم نظرها و آرای مختلف علمی را به او بیاموزند.

معتقدم که اصول فقه در تمام علوم اسلامی لازم است. کسانی که در فقه و اصول، خوب کار کنند، در دیگر رشته‌ها نیز قدرت استنباط و تبخّر پیدا خواهند کرد. بنابراین در حدّ رسائل و مکاسب و درس خارج را همه باید بخوانند.

اما سخن در این است که اگر کتب درسی به صورت صحیح و درست خوانده شود هدف اجتهاد برآورده خواهد شد. مثلاً رسائل شیخ؛ عمق کافی و جامعیت دارد و طلبه را با متون بعدی آشنا می‌کند. رسائل به ذهن طلبه تیزبینی

می‌بخشد و به او حریت و مهارت می‌دهد. اصول فقه مظفر نیز نمونه‌ای عالی برای تدوین کتاب‌های درسی می‌تواند باشد.

استاد واسطی: اگر هدف آموزشی، انتقال اطلاعات به فراگیران برای یادسپاری تنها باشد، این تناسبی ندارد و اگر هدف آموزشی، فعال‌سازی ذهن فراگیران برای ایجاد توان تحلیل باشد، در این صورت برخی کتاب‌ها تناسب لازم را دارند اگرچه کافی نیستند.

تحریر: آیا هر متن درسی با متون پیشین و پسین آن تناسب دارد؟
استاد واسطی: در برخی موضوعات و پایه‌ها این تناسب وجود دارد؛ مثلاً در انتقال از صمدیه به سیوطی و سپس مغنی این تناسب هست؛ اما در برخی موضوعات و پایه‌ها این تناسب وجود ندارد؛ مانند انتقال از لمعه به مکاسب.

تحریر: شرایط متن درسی چیست؟

استاد صدر: متن درسی چهار شرط مهم دارد:

۱. از نظر علمی باید کاملاً مناسب با هدف آموزشی طلبه باشد؛
۲. مباحث کتاب به صورت منطقی تنظیم شود؛
۳. ادبیات آن آموزشی باشد، یعنی برای آموزش نوشته شده باشد؛
۴. مباحث آن کاربردی باشد. مثلاً در اصول باید توانایی مراجعه به منابع و استدلال فقهی حاصل شود.

استاد قندیلی: به نظر بنده نیز این چهار شرط مهم است:

۱. با توجه به ویژگی‌های مخاطب باشد. مخاطب (در اینجا طلبه) دارد با متن زندگی می‌کند. او از این طریق باید به رشد منطقی، تقویت حافظه، تمایلات‌اش، ویژگی‌های روان‌شناختی، عاطفی و عملی‌اش نیز پاسخ داده شود؛
۲. ساختار علم باید در متن درسی ملاحظه شود. ساختار علم، به مجموعه قواعد، اصول و قوانین شیوه جمع‌آوری مطالب می‌گویند. با این نگاه، کتاب سال اول درسی فراگیران نیز بخشی از ساختار علم آنهاست و باید بدان نیز پرداخت. در متون درسی باید تقدم و تأخرها رعایت شود؛

۳. شرایط اجتماعی را در متن درسی باید ملاحظه کرد؛
 ۴. میراث‌های فرهنگی، امکانات موجود، آخرین یافته‌های علمی، حجم درسی براساس حجم زمان مورد نظر نیز باید در متن درسی رعایت شود.
استاد کاظمی: به نظر بنده متن درسی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. جامع‌الاطراف باشد (غنی و کامل)؛
 ۲. علمی و عمیق باشد؛
 ۳. نیاز مخاطب را در نظر گیرد؛
 ۴. متناسب با دانش پیشین و پسین دانش‌پژوه باشد؛
 ۵. متن باید زیبا، ساده و غیر مخلّ به غرض باشد؛
 ۶. خواننده را تشویق به پژوهش کند؛
 ۷. طلبه را با متون قدیمی و سنگین آشنا کند؛
 ۸. روحیه اجتهاد و استنباط را در طلاب بارور و تأمین کند.
- استاد واسطی:** متون درسی در صورتی می‌توانند در جریان تولید علم و نهضت نرم‌افزاری نقش داشته باشند که توان تحلیل، نقادی و خلاقیت را در فراگیران ایجاد کنند. چنین کتاب‌هایی مسئله‌محورند. خروجی اینها قدرت تحلیل و بررسی تعاریف و استدلال‌ها را دارند و به تطبیق نظرات با هم می‌پردازند و زمینه را برای ظهور افکار جدید فراهم می‌سازند. پس کتاب‌هایی که صرفاً به ارایه اطلاعات به صورت حافظه‌ای می‌پردازند، صلاحیت لازم برای متن درسی شدن را ندارند.

تحریر: آیا حصرگرایی در متون درسی مطلوب است؟

استاد سلطانی: حوزه‌های علمیه باید دوره‌های عمومی، نیمه‌تخصصی و تخصصی داشته باشند و هر کدام دارای متون مخصوص به خود باشند. طلاب نیز باید از ابتدا رشته تخصصی خود را انتخاب کرده و با توجه به نیازهای آن رشته، وارد متن درسی شوند. مثلاً کسی که می‌خواهد در علوم حدیث و قرآن متخصص شود، یک متن ادبی را باید بخواند و کسی که می‌خواهد در فلسفه

متخصص شود به یک ادبیات دیگری نیاز دارد؛ ولی متأسفانه همه فراگیران فقط یک نوع ادبیات، منطق و اصول را می‌خوانند.

استاد صدر: دوره‌های عمومی و تخصصی در حوزه باید وجود داشته باشد. این بدان معنا نیست که فلان رشته، ادبیات نخواند. یک دوره ادبیات و اصول را همه باید بخوانند. طلبه‌ای که می‌خواهد در فلسفه دارای تخصص شود باید یک دوره اصول بخواند، چون متون درسی سطوح، توانایی فکری شخص را بالا می‌برد؛ چرا که انواع روش استدلال در کفایه، مکاسب و رسائل نهفته است. بنابراین زمینه‌های مشترک بین رشته‌های مختلف وجود دارد. متون فقهی و فلسفی نیز در اخلاق و پیچیدگی شبیه هم هستند.

استاد قندیلی: اگر اساتید ما صاحب‌نظر باشند، حصرگرایی در کتب درسی یک رشته تخصصی مطلوب نیست. بنابراین باید موضوعات و سرفصل‌ها را به استاد داد تا او براساس آن، هر متنی را که می‌خواهد تدریس کند. ما باید وحدت رویه را در سیاست‌ها، چشم‌اندازها و مهارت‌ها داشته باشیم و صحیح نیست که به بهانه وحدت رویه، متون آموزشی یکی باشد!

استاد کاظمی: اگر دو متن درسی را در نظر بگیریم که هر دو در یک سطح علمی و نیز در تأمین اهداف‌شان مشترک باشند، در این صورت حصرگرایی لازم نیست. اما اگر متن واحدی در اختیار اساتید نباشد و فقط سرفصل‌ها را به آنها دهیم، این نیز کار مطلوبی نیست؛ چون هر کدام از اساتید متنی را انتخاب می‌کنند و شاید برخی متون تأمین‌کننده تمام اهداف آموزشی نباشد.

استاد واسطی: مقصود از حصرگرایی اگر این است که در هر موضوع علمی همه یک متن مشترک را بخوانند، این در صورتی قابل تبدیل به کثرت‌گرایی و متون مختلف می‌تواند بشود که شاخص‌های ارزیابی مشترکی تعریف شود تا هر کسی در هر موقعیتی که قرار دارد، با هر متنی که مفید می‌داند فعالیت علمی خود را انجام دهد؛ و این نیازمند یک ارزیابی دقیقی و

علمی است و ارزیاب‌شونده نیز باید هنگام ارزیابی و سنجش، از عهده مطابقت با شاخص‌ها بربیاید.

تحریر: چه نهاد یا افرادی شایستگی تعیین کتاب‌های درسی را دارند؟

استاد سلطانی: کتاب درسی را یک فرد نمی‌تواند بنویسد، کارهای فردی منسوخ شده است. بنابراین افراد باید از جوانب و تخصص‌های مختلف وجود داشته باشند. وجود یک نهاد شاخص و تصمیم‌گیرنده نیز لازم است که کار برنامه‌ریزی و هماهنگی افراد و تأمین امکانات لازم را برعهده گیرد و آنجا باید افرادی که سابقه تدریس، سابقه پژوهش‌های جدید و دارای تکنولوژی آموزشی هستند به‌کارگرفته شوند.

استاد صدر: این سؤال پیشتر در کمیسیون آموزش متون مطرح شد و بنده پیشنهاد دادم که کمیته‌ای از صاحب‌نظران و متخصصین و نیز اساتید محض در تدریس متون تشکیل شود تا متون درسی را از جهت نقاط قوت و ضعف شناسایی کنند. با این تمهید کتاب‌ها بازنگری یا اصلاح می‌شوند. این کار یک ضرورت است گرچه فرایند اصلاح کتب، منجر به تغییر متون حوزوی شود. البته در تدوین متون باید قلم و نگارش آن و آشنایی با روش‌های آموزش نیز مد نظر قرارگیرد.

استاد کاظمی: برای تدوین متون درسی باید نهادی از افراد زیر تشکیل شود:

۱. اساتید و مدرسین آن متن یا مرتبط با متن؛
 ۲. برنامه‌ریزان حوزه؛
 ۳. کسانی که با فن‌نویسندگی آشنايند؛
 ۴. کسانی که در طراحی و تنظیم متون درسی مهارت دارند.
- استاد واسطی:** به نظرم برای تدوین متون درسی، ترکیب افراد زیر لازم است. اولاً باید مرکزی با عنوان مرکز تدوین متون درسی تشکیل شود که مجمعی متشکل از متخصصین هر علم به‌علاوه کارشناس برنامه‌ریزی درسی،

کارشناس مدیریت آموزشی، کارشناس مهندسی فرهنگی و اجتماعی، کارشناس آینده‌پژوهی، کارشناس برنامه‌ریزی استراتژیک، نماینده معاونت آموزش، نماینده معاونت پژوهش باشند.

ضرورت وجود کارشناسان فوق بدین جهت است که کتاب‌های درسی، مهندسی فکری نسلی را که مخاطب این کتاب‌ها هستند به‌عهده دارند و اگر آینده‌سازی، استراتژی‌های علمی و تحقیقاتی و مؤلفه‌های مهندسی فرهنگی در طرح‌نامه تدوین کتب درسی دیده نشود و کتاب‌هایی بدون کارآمدی در چرخه آموزش وارد شوند، نسل‌های بعدی در معرض خطر قرار خواهند گرفت. در این زمینه بویژه مؤلفه آینده‌سازی اهمیت حیاتی دارد و گرنه در گرداب تغییر به نفع وضعیت زمان و مکانی که دیگران ساخته‌اند و فرهنگ جهانی را شکل داده‌اند خواهند افتاد.

تحریر: هر کدام از موارد زیر تا چه اندازه‌ای باید در تدوین کتاب‌های درسی در نظر گرفته شود؟

(الف) عربی یا فارسی‌بودن

(ب) عربی کلاسیک یا معاصر

(ج) استواری و زیبایی

(د) اغلاق و وضوح

(ه) تمرین

(و) کاربردی و تئوریک

(ز) شکل انتشار

استاد سلطانی: در چند سال اول، متون درسی باید به زبان فارسی باشد تا طلبه دچار فهم غلط از متن نشود؛ ولی از سال چهارم، متون باید به زبان عربی باشد. او البته برای درک متون تخصصی باید آموزش ببیند. در رابطه با رشته تخصصی تبلیغ، باید عربی معاصر و متون جدید عربی کار شود. در متون درسی بر حفظیات نباید اصرار شود و باید درس‌ها به صورت کاربردی و دارای تمرین باشد.

استاد صدر: زبان متون درسی باید به زبان عربی باشد؛ زیرا اگر عربی را فرا نگیرد، در مراجعه به متون دچار مشکل خواهد شد، به ویژه در فقه و اصول. البته دروسی مثل منطق را می توان به فارسی نوشت؛ زیرا استدلال ها در همه زبان ها یکی است. اینکه ما اصول و فقه را به زبان غیر عربی تعلیم دهیم مانند آن است که فیزیک را به زبان غیر ریاضی تعلیم دهیم!

ما غالباً دروس را به زبان مادری و فارسی ارایه می دهیم؛ ولی در تطبیق به زبان عربی بازگو می کنیم، لذا فهم مطلب مشکل نیست.

در علم اصول و فقه از ادبیات قدیمی می توان استفاده کرد؛ ولی در متون ادبی باید از زبان عربی معاصر استفاده کرد.

متن کتاب های درسی باید روان و خالی از اغلاق باشد. برخی می گویند اغلاق باعث درگیری طلبه با متن می شود؛ ولی می گویم ابتدا مطالب متون درسی را عالی کنید تا ذهن طلبه به عمق مطلب درگیر شود.

متون درسی باید کاربردی و دارای تمرین باشند. دروسی مانند منطق، اصول و ادبیات باید تمرین داشته باشند.

استاد کاظمی: عربی، زبان علمی علوم اسلامی است و نوع تحقیقات، کتاب ها و آثار ما به زبان عربی است. بنابراین اولین کتاب اصولی باید به زبان عربی باشد. با توجه به اینکه طلبه ها در چند سال اول با ادبیات آشنا شده اند، فهم زبان عربی برای آنها مشکل نخواهد بود. البته دروس اعتقادات را می توان به زبان فارسی نگارش کرد.

استاد واسطی: بنده عرایض را ذیل هر گزینه بیان می کنم.

عربی یا فارسی بودن: شروع از کتب فارسی و حرکت تدریجی به سمت کتب عربی، لازمه آموزش در فضایی است که زبان علمی آن عربی است.

عربی کلاسیک یا عربی معاصر: زبان علمی منابع دسته اول در حوزه ها، عربی فصیح صدر اول اسلام و عربی دوران مولدین است. پس برای تسلط بر منابع دسته اول نیاز به آشنایی با سبک و سیاق عربی فصیح نزدیک به عصر نزول است.

استواری و زیبایی: مقصود از زیبایی و استواری، سبک قلم کتاب است و استواری، تنها درست‌نویسی نیست؛ بلکه رعایت مقتضای حال و بلیغ‌بودن قلم هم هست. زیبایی، از صنایع بدیع در نشر کتاب است. بنابراین قطعاً کتابی با این خصوصیات بر کتاب‌های مشابه با حفظ کیفیت محتوای علمی برتری دارد.

اغلاق و وضوح: کتاب آموزشی نیازمند وضوح است؛ اما وضوح به معنی ساده‌شدن محتوا نیست. کتاب آموزشی‌ای صلاحیت تدریس را دارد که علاوه بر حفظ سطح تحلیلی، نقادانه و خلاق محتوا، از تعابیر، الفاظ و ترکیب‌هایی استفاده کند که معانی و مفاهیم آنها با ذهن فراگیر در آن سطح مانوس باشد.

تمرین: کتاب آموزشی بدون تمرین، ویژگی یادگیری به معنی توان تغییر در رفتار را از دست خواهد داد و رابطه علم و عمل منقطع خواهد شد و از دایره علم نافع دور می‌شود. با تولید کتاب‌های تمرین برای کتاب‌های درسی موجود می‌توان این نقص را برطرف کرد.

کاربردی و تئوریک: بر اساس راهبرد آموزشی امام صادق علیه السلام که فرمود: «أطلب العلم باستعماله»، کتاب‌های درسی باید با دید کاربردی تدوین و تدریس شوند. البته این به معنی صرف نظر از مباحث تحلیلی و نقادانه نیست بلکه به معنی تدوین مباحث تحلیلی و نقادانه با آرایه آثار و ثمرات بحث در فضای زندگی است. کتب درسی موجود با تغییر در روش تدریس از سخنرانی و ترجمه متن به روش مسئله‌محور و فعال می‌توانند اثرات کاربردی‌بودن را داشته باشند.

شکل انتشار: اگر مقصود از سؤال، چاپی یا خطی‌بودن کتاب‌ها است، باید گفت از آنجا که منابع دست اول علوم و معارف اسلامی در محور زمان رو به مبدأ می‌روند و حجم عظیمی از کتب اصیل، هنوز خطی هستند، بنابراین بدون مهارت مطالعه و بررسی کتب خطی، احیای میراث فرهنگی اسلام و واردکردن آنها در چرخه فهم دین مشکل خواهد بود.

تحریر: به نظر شما کدام یک از دو گزینه زیر صحیح است؟

الف) باید متون قدیمی حفظ شوند و در کنار آن از وسایل کمک آموزشی استفاده شود.

ب) باید متون جدید جایگزین متون قدیمی شوند.

استاد سلطانی: اگر کادر مطلوبی برای کتاب‌های درسی تشکیل شود باید متون درسی تغییر کند؛ ولی اگر کادر مطلوبی تشکیل نشود باید به روش‌های مختلف همین کتاب‌های موجود را تحت پوشش قرارداد. البته در ادبیات، کتاب‌های خوبی نوشته شده که می‌تواند جایگزین شود. در منطق نیز باید در سرفصل‌ها بازنگری نمود.

استاد صدر: تغییر متون به این معنا که متنی دارای تمام مزایا باشد و بتوان آن را به جای متون فعلی قرار داد، در درجه اول اهمیت است و در درجه دوم باید متون فعلی را اصلاح کرد.

استاد کاظمی: بحث تغییر متون درسی یک ضرورت است؛ اما باید تمام امتیازات یک کتاب درسی را که بر شمردیم دارا باشد.

استاد واسطی: اگر هدف آموزشی در حوزه‌های علمیه، رسیدن به توان فهم تحلیلی دین، توان استدلال و نقادی تفکرات بشری و توان دفاع و تحقق دین باشد، متنی که چنین توانایی را در فراگیر ایجاد می‌کند باید محور قرار گیرد، خواه قدیمی باشد و خواه جدید. بنابراین اگر متون موجود، در تحقق این هدف، نواقص و نارسایی‌هایی دارند، باید با فعالیت‌های تکمیلی برطرف شوند.